

## مدل‌یابی معادلات ساختاری ارتباط بین تجربه مراقبت در کودکی، حساسیت به طرد، پذیرش بی‌قید و شرط خود و تصور از آینده در کودکان و نوجوانان کار

### Structural equations modeling of the relationship between Childhood Experience of Care, Sensitivity to Rejection, Unconditional Self-acceptance and Imagine of the Future in Working Children and Adolescents

Narjes Ghasemi MSc

Yasser Rezapour-Mirsaleh PhD<sup>✉</sup>

Mohammad-Hadi Safi PhD

نرجس قاسمی<sup>۱</sup>

یاسر رضاپور میرصالح<sup>۱</sup>

محمدهادی صافی<sup>۲</sup>

#### Abstract

Child labor is one of the social ills of today's society. This study aimed to investigate a structural model of unconditional self-acceptance, rejection sensitivity, future expectations, and childhood experience care in working children. A correlational design using structural equation modeling was conducted. The statistical population of this study include the working child who lived in Yazd and Isfahan cities in 2020. A total of 160 children was selected using available sampling method and answered to Chamberlin and Haaga's unconditional self acceptance scale, Downey and Feldman's sensitivity to rejection scale, Mcwhirter's future expectations scale, and Bifulco, Brown and Harris's childhood experience of care questionnaire. The findings showed that unconditional acceptance had a negative and significant effect on sensitivity to rejection ( $P < 0.05$ ). Childhood experience of care had a negative and significant relationship with future expectations while being positively and significantly related to sensitivity to rejection. Likewise, rejection sensitivity had a significant and negative effect on future expectations ( $P < 0.05$ ). The results did not support the direct effect of unconditional acceptance on future expectations. Regarding the results, it can be concluded that improving childhood care, reducing sensitivity to rejection, and working on the unconditional acceptance of these children, helped to improve their lives.

**Keywords:** Child Labor, Childhood Experience of Care, Imagine of Future, Sensitivity to Rejection, Unconditional Self-acceptance.

#### چکیده

کودک کار یکی از آسیب‌های اجتماعی جامعه امروز است. هدف این پژوهش ارزیابی مدل ساختاری پذیرش بی‌قید و شرط خود، حساسیت به طرد، تصور از آینده و تجربه مراقبت در کودکی در کودکان کار بود. این مطالعه از نوع همبستگی بود که به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. از بین کودکان کار شهرهای یزد و اصفهان در سال ۱۳۹۹، ۱۶۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پذیرش بی‌قید و شرط چمبرلین و هاگا، حساسیت به طرد داوونی و فلدمن، انتظار از آینده مک ویرتر و تجربه مراقبت در کودکی بیفولکو، براون و هریس پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که پذیرش بی‌قید و شرط بر حساسیت به طرد تأثیر منفی معنادار داشت ( $P < 0/05$ ). مراقبت نامناسب در دوره کودکی با تصور از آینده رابطه منفی معنادار و با حساسیت به طرد رابطه مثبت معنادار داشت. همچنین حساسیت به طرد بر تصور از آینده تأثیر منفی معنادار داشت ( $P < 0/05$ ). یافته‌ها از تأثیر مستقیم پذیرش بی‌قید و شرط بر تصور از آینده حمایت نکردند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با بهبود کیفیت مراقبت در کودکی و پذیرش بی‌قید و شرط خود و کاهش حساسیت به طرد در کودکان کار می‌توان به بهبود زندگی آنان کمک کرد.

**واژه‌های کلیدی:** پذیرش بی‌قید و شرط، تجربه مراقبت در کودکی، تصور از آینده، حساسیت به طرد، کودکان کار.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۷/۱۵

۱. گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۲. گروه روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

## ● مقدمه

کودکان بیش از یک بدهی نسبت به ملت یا جامعه یک دارایی هستند. از کودکی که در آینده، فرد بزرگسال است انتظار می‌رود در روند ملت‌سازی نقش مهمی را ایفا کند اما این بستگی به نحوه رشد کودک و رسیدن به مرحله بزرگسالی است. گاهی اوقات کودکان به واسطه اجبار اجتماعی-اقتصادی مجبور به کار برای بقای خود می‌شوند. آن‌ها یا برای دستمزد یا بدون دستمزد در خانه یا محیط بیرون کار می‌کنند (داس، ۲۰۱۹). طبق سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۹ حدود ۷۳ میلیون کودک در سراسر جهان درگیر کار کردن بودند که فعالیت کاری این کودکان، آن‌ها را تحت فشار فیزیکی قرار می‌داد که این فعالیت‌ها به عنوان کار خطرناک تعریف می‌شدند (حبیب، زیادئی، یونس و هراسانی، ۲۰۲۰).

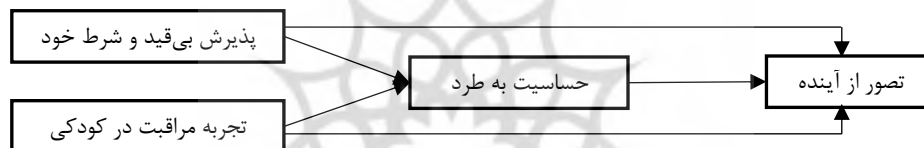
کودکان کار دارای شرایط نامطلوب زندگی از جمله جدایی اجباری از خانواده، محرومیت از غذا یا تحصیل و سوءاستفاده هستند (هولتگه، مک‌گی، مایکر و توما، ۲۰۱۸). همچنین با توجه به این که این کودکان زیر فشار و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابان‌ها رو آورده‌اند، فرآیند طبیعی رشد جسمی، عاطفی و اجتماعی و همچنین، تکامل شخصیت و جریان اجتماعی شدن آن‌ها به خطر افتاده است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱). این فشارها و از بین رفتن فرصت‌های توسعه دارای اثرات منفی در دراز مدت است (سینیو و رزاتی، ۲۰۰۵)، که عدم داشتن یک تصویر مطلوب از آینده و امید به آینده یکی از این اثرات منفی است.

تعیین انتظاراتی که افراد از آینده دارند و بازنمایی آن به عنوان یک خصیصه منحصر به فرد انسانی نقش مهمی در شکل دادن به رفتار فعلی آن‌ها ایفا می‌کند (افشاری و همکاران، ۱۳۹۷). کودکان کار با دور بودن از حمایت‌های خانوادگی و زندگی در شرایط دشوار تصور از آینده منفی‌تری را دارا می‌باشند. در واقع تفکر و تصور در مورد آینده یک جزء جدایی‌ناپذیر از شناخت انسان است. تفکر درباره آینده نقش حیاتی برای فعالیت‌های شناختی پیچیده چون برنامه‌ریزی، رسیدن به اهداف، حافظه آینده‌نگر، تنظیم هیجان، خودکنترلی و به تعویق انداختن ارضای نیاز ایفا می‌کند (دارجمبو و مسی، ۲۰۱۱).

علاوه بر تصور از آینده نامطلوب، یکی دیگر از مشکلات کودکان کار، حساسیت به طرد است. حساسیت به طرد، به عنوان تمایل به اضطراب انتظار، حالت تدافعی داشتن، ادراک خیلی سریع و عکس‌العمل‌های خیلی شدید به طرد بین‌فردی تعریف می‌شود (رومرو و همکاران، ۲۰۱۰). این عامل می‌تواند توانایی فرد در توسعه و بهره‌برداری از روابط مثبت را تضعیف کند و از این طریق می‌تواند به طور بالقوه در احساس تنهایی نقش داشته‌باشد (لوی، آیدوک و داوونی، ۲۰۰۲). عوامل زمینه‌ای چون تأثیر خانواده و ارتباط با هم‌سالان، که نقش مهمی در شکل‌گیری حساسیت به طرد در کودکان دارد، می‌تواند در ایجاد انتظارات آینده نوجوانان نقش داشته‌باشد. در حقیقت ارتباط ایده‌آل نوجوانان با خانواده و هم‌سالان نقش به‌سزایی در انتظارات مثبت نسبت به آینده دارد. کودکان کار با ترس از دست دادن اطرافیان و تجربه‌های ناگوار در این زمینه، روابط را غیر قابل اعتماد تفسیر می‌کنند (لانسفورد و همکاران، ۲۰۱۰) آن‌ها عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دچار تنزل تحصیلی، افزایش خطرات جسمی، اجتماعی و اقتصادی و در نهایت بدبینی نسبت به آینده می‌شوند (دی بیلد، وانستین کیست و لنز، ۲۰۱۱).

در نقطه مقابل حساسیت به طرد، پذیرش بی‌قید و شرط خود، یکی دیگر از متغیرهایی است که می‌تواند بر عملکرد کودکان کار و انتظار از آینده آن‌ها اثر بگذارد. براساس نظریه‌ی رفتاردرمانی عقلانی-هیجانی و به اعتقاد الیس فرایند خودسنجی به ویژه در مقایسه با دیگران، می‌تواند باعث ایجاد احساس افسردگی و یا اضطراب در برابر با شکست، انتقاد و طرد شود، و پذیرش بی‌قید و شرط خود می‌تواند از این عوامل جلوگیری کند (آبرام و الیس، ۲۰۰۹؛ به نقل از گودین، ۲۰۱۰). پذیرش بی‌قید و شرط به عنوان احساسی تعریف شده‌است که فرد نسبت به خود و توانمندی‌های کنونی‌اش دارد و این احساس فارغ از منابع بیرونی است (باقرنژاد و همکاران، ۱۳۹۸). یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر روند رشد روانشناختی کودکان کار اثرگذار باشد تجربه مراقبت در دوره کودکی است. محققان از دیرباز اهمیت روابط با کیفیت والدین و فرزند را در دوره کودکی و نوجوانی تشخیص داده‌اند. پیش از اهمیت ظاهر بدنی، پیشرفت تحصیلی و روابط هم‌سالان، روابط رضایت بخش والدین و فرزندان به شدت با رضایت از زندگی کودکان و نوجوانان ارتباط دارد (دیو و هوبنر، ۱۹۹۴؛ به نقل از آلویا و وارن، ۲۰۱۹). کیفیت ارتباط با والدین و میزان تحصیلات آن‌ها بر نوع رفتار و شکل‌گیری مشکلات مختلف رفتاری و اجتماعی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند (اکرمی و همکاران، ۱۳۹۹). غفلت‌های عاطفی و فیزیکی والدین نسبت به

فرزندان منجر به پیامدهای مخرب مهمی در آنها می‌شود (برنشتین و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از عنبرانی، گل، فرهادیان، طیبی و نامور، ۱۳۹۹). مراقبت و توجه والدین نسبت به فرزندان منجر به احساس خوشایندی و خوش بینی کودکان می‌شود و تصور از آینده مثبتی را در آنان موجب می‌شود (نورمی، ۱۹۹۱). محیطی که کودکان در آن زندگی می‌کنند و نحوه مراقبت، طرد یا پذیرش و غفلت والدین بر تفکر و انتظارات آنها تأثیر به‌سزایی دارد. تحقیقات متعددی بیانگر این موضوع می‌باشند که مهارت‌های برنامه‌ریزی و راهبردهای مقابله‌ای که نوجوانان از آن استفاده می‌کنند، ممکن است در بستر خانواده فراگرفته‌شود (نورمی، ۱۹۸۷). پذیرش بی‌قید و شرط نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر حساسیت به طرد، بر تصور از آینده کودکان کار تأثیر بگذارد. عدم باور به خود کودکان، مشکلات عاطفی را شکل می‌دهد که مانع رشد تحصیلی و شخصی آن می‌شود و آینده آن‌ها را با موانعی روبه‌رو می‌سازد (جابین، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، طرد و پذیرش والدین می‌تواند بر نحوه زیستن در بزرگسالی در آینده که اکنون کودک ما باشد اثر بگذارد (یزدخواستی و قاسمی، ۱۳۹۸). با توجه به آنچه گفته‌شد و اهمیت تأثیرگذاری تصور از آینده در کودکان کار، چنین استنباط می‌شود که این مفهوم از ریشه‌های تحولی و خانوادگی (حساسیت به طرد، پذیرش بی‌قید و شرط و تجربه مراقبت در کودکی) تأثیرپذیر باشد. به همین جهت در پژوهش حاضر این عوامل با هم در نظر گرفته شده‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند مکانیسم‌های تحولی و خانوادگی و تأثیرگذاری این متغیرها را به طور اختصاصی بر تصور از آینده کودکان و نوجوانان کار مشخص کند. با توجه به محدود بودن پژوهش‌هایی مرتبط با این زمینه در کودکان کار این پژوهش به این سوال که آیا حساسیت به طرد در رابطه با پذیرش بی‌قید و شرط و تجربه مراقبت در کودکی با تصور از آینده در کودکان کار نقش میانجی دارد، پاسخ خواهد داد. در صورت تأیید مدل پیش‌فرض ارائه شده در این پژوهش، می‌توان راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت این کودکان ارائه داد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهشی

## روش

در انجام پژوهش حاضر، از طرح توصیفی و از نوع همبستگی آن، استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کودکان و نوجوانان کار ۱۳ تا ۱۷ ساله موسسه مردم نهاد طلوع مهر و دوستی شهر اصفهان و موسسه آشیانه باران یزد در سال ۱۳۹۹ بود. کودکان و نوجوانانی که طبق قوانین اجتماعی زیر سن قانونی (زیر ۱۸ سال سن دارند) و حداقل یک سال مشغول به کار در سطح خیابان‌ها یا کارگاه‌ها بوده و فعالیت‌هایی جهت کسب درآمد و امرار و معاش انجام دادند. با توجه به این که آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در جامعه مورد مطالعه وجود نداشت و هم چنین با توجه به محدودیت در دسترسی به کلیه کودکان کار به صورت یک‌جا و عدم تمایل گروه کثیری از کودکان کار به پاسخگویی سوالات، این کودکان، به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه پذیرش بی‌قید و شرط، پرسشنامه حساسیت به طرد، پرسشنامه تصور از آینده و پرسشنامه تجربه مراقبت در کودکی بود. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آماری بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار PLS انجام شد.

**الف. پرسشنامه پذیرش بی‌قید و شرط (Unconditional Self-Acceptance Questionnaire):** پرسشنامه پذیرش بی‌قید و شرط توسط چمبرلین و هاگا (۲۰۰۱) با اقتباس از نظریه رفتار درمانی-عقلانی و هیجانی ایلس شامل ۲۰ ماده تهیه شد. پرسشنامه برای گروه سنی ۱۴ سال به بالا قابل اجرا است. در یک پژوهش روایی محتوایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت و برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۷۰ به دست آمد (شفیع‌آبادی و نیکنام، ۱۳۹۴). آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۸ بود.

**ب. پرسشنامه حساسیت به طرد (Rejection Sensitivity Questionnaire):** این پرسشنامه توسط داوونی و فلدمن (۱۹۹۶) ساخته شد که با ۱۸ ماده دو قسمتی (الف و ب) و براساس مقیاس لیکرتی ۶ درجه‌ای مورد سنجش قرار گرفت. در پژوهش (آیدوک و همکاران ۲۰۰۸؛ به نقل از خوشکام، بهرامی، رحمت‌الهی و نجارپوریان، ۱۳۹۳) اعتبار پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بود و

اعتبار این پرسشنامه در پژوهشی بر روی دانشجویان ایرانی نیز ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد هم چنین در این پژوهش ماده های ۱۶، ۱۲، ۹، ۵، و ۱۸ این پرسشنامه به دلیل مناسب نبودن برای رده سنی ۱۳ تا ۱۷ سال حذف شد.

**ج. پرسشنامه تصور از آینده (Future Imagination Questionnaire):** این آزمون توسط مک ویرتر در سال ۲۰۰۸ طراحی شد که هدف آن ارزیابی میزان باورهای افراد در مورد آینده خودشان در حوزه کاری، تحصیلی، ازدواج و تشکیل خانواده، فعالیت‌های اجتماع مانند ورزش، رهبری و ... بود. این آزمون شامل ۲۴ ماده بود. همسانی درونی آزمون توسط مک ویرتر (۲۰۰۸) به روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۸ به دست آمد. هم چنین روایی سازه این آزمون توسط مک ویرتر (۲۰۰۸) از اجرای تحلیل عامل تاییدی و اکتشافی تایید شد. این ابزار توسط پژوهشگر ترجمه و به منظور تایید اعتبار این پرسشنامه ابتدا بین ۳۰ نفر از افراد نمونه جامعه آماری توزیع و جمع آوری شد. سپس آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ی مرتبط محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تصور از آینده به میزان ۰/۸۸ به دست آمد. روایی محتوایی آن نیز به تأیید ۵ کارشناس متخصص رسید.

**د. پرسشنامه تجربه مراقبت در کودکی (The childhood experience of care Questionnaire):** فرم اولیه آزمون توسط بیفولکو، براون، هریس در سال ۱۹۹۴ طراحی شد. آزمون شامل دو بخش ۱۶ ماده‌ای بوده و ۴ مولفه دارد. مولفه‌های آن انزجار مادرانه، انزجار پدرانه، غفلت مادرانه و غفلت پدرانه بوده است. اعتبار این آزمون در پژوهش بیفولکو و همکاران (۲۰۰۵) به روش کرونباخ برای انزجار ۰/۸۱ و غفلت ۰/۸۰ به دست آمد. روایی سازه این آزمون توسط اسمیت و همکاران (۲۰۰۲) از تحلیل عامل تاییدی و اکتشافی تایید شد. هم چنین روایی واگرایی آزمون با ابزار پیوند والدین (PBI) به دست آمد. این ابزار توسط پژوهشگر ترجمه گردید و آلفای کرونباخ آن در این پژوهش ۰/۹۶ به دست آمد. در این پژوهش از نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

## • یافته‌ها

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نمونه آماری پژوهش نشان داد که اکثر کودکان و نوجوانان کار دارای جنسیت دختر می‌باشند که در رده سنی بین ۱۳ تا ۱۴ سال بودند و کمترین فراوانی مربوط به رده سنی بین ۱۷ تا ۱۸ سال بود. مقدار شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) در این پژوهش برای اکثر متغیرها در بالاتر از مقدار استاندارد بود که نشان از روایی همگرای مناسب مدل داشت. به منظور ارتقاء مقدار AVE اقدام به حذف سوالاتی شد که پس از حذف سوالات نتایج نشان داد که مقدار AVE افزایش یافته و روایی همگرا تأیید شد. همچنین مقدار جذر AVE تمامی متغیرهای مرتبه اول از مقدار همبستگی میان آن‌ها بیشتر بود که این امر روایی واگرایی مناسب و برازش خوب مدل اندازه‌گیری را نشان داد. در بخش ساختاری، ارتباط بین پذیرش بی‌قید و شرط و تصور از آینده کمتر از ۱/۹۶ بود که این فرضیه در پژوهش رد شد. مقادیر R2 برای سازه‌های حساسیت به طرد و تصور از آینده (متغیرهای درون‌زا) به ترتیب برابر با ۰/۲۶ و ۰/۳۲ محاسبه شد که برازش مناسب مدل تأیید شد. ضرایب معناداری تمامی مسیرهای میان متغیرها به جز مسیر پذیرش بی‌قید و شرط خود با تصور از آینده بیشتر از ۱/۹۶ بود که این مطلب حاکی از معنی دار بودن فرضیه‌های پژوهش و تأثیر متغیرها است و باعث تأیید شدن فرضیه‌ها می‌شود. شکل ۲ مدل پژوهش را همراه با ضرایب بارهای عاملی نشان می‌دهد. این خروجی، ضریب استاندارد شده مسیرهای میان متغیرهای پذیرش بی‌قید و شرط خود، تجربه مراقبت در کودکی، حساسیت به طرد و تصور از آینده را نشان می‌دهد.

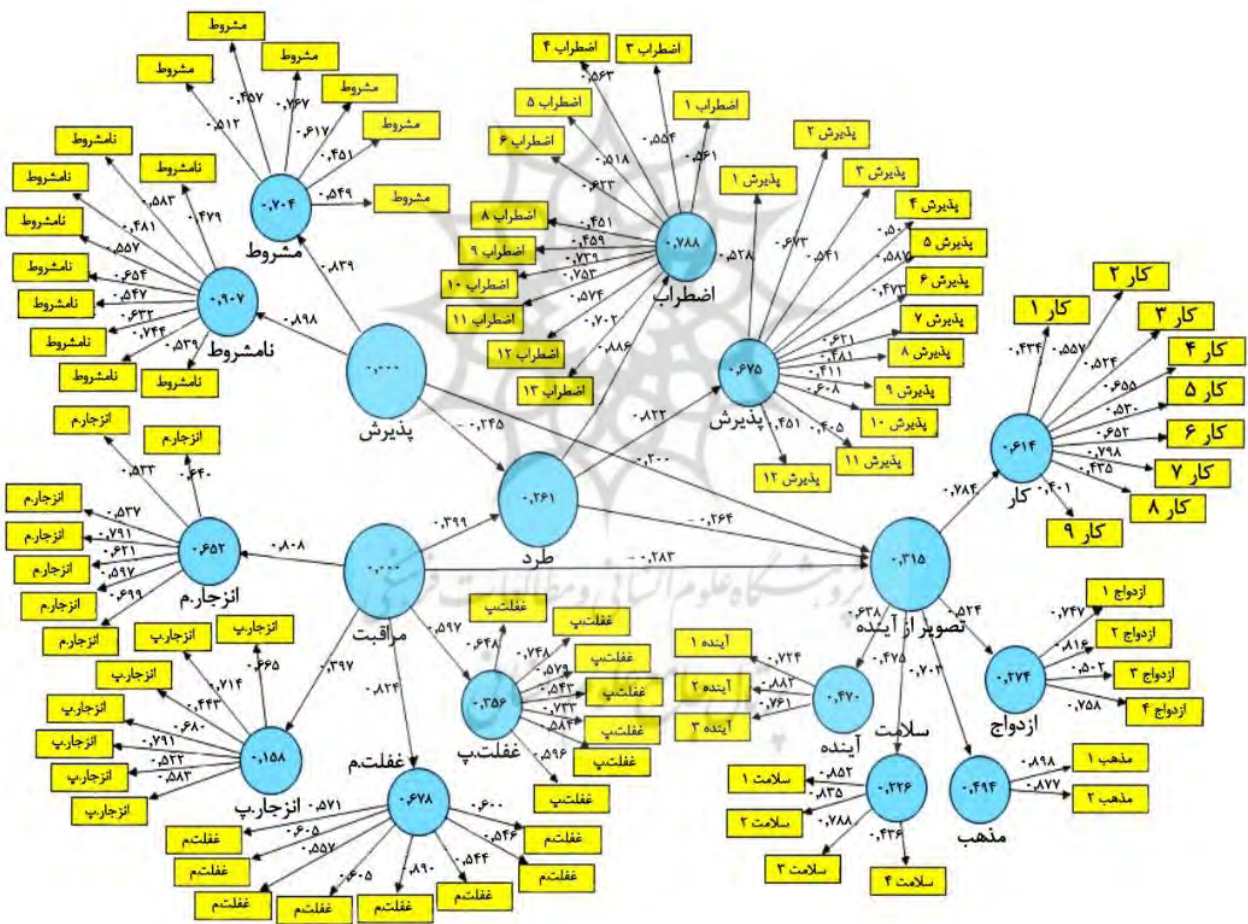
جدول ۱. خلاصه توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناسی دانش آموزان

متغیر جمعیت‌شناسی	فراوانی	درصد فراوانی	متغیر جمعیت‌شناسی	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	دختر	۹۱	بی‌سواد	۶۳	۳۹/۴
	پسر	۶۹	ابتدایی	۹	۵/۶
	۱۳-۱۴	۵۹	تحصیلات	۳۹	۲۴/۴
سن	۱۵-۱۴	۵	دبیرستان	۴۳	۲۶/۹
	۱۶-۱۵	۵۱	دیپلم	۶	۳/۸
	۱۷-۱۶	۴۰	یزد	۴۷	۲۹/۴
	۱۸-۱۷	۵	شهر	۱۱۳	۷۰/۶
			اصفهان		



جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرها

متغیر	زیرمقیاس	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
پذیرش بی‌قید و شرط خود	پذیرش نامشروط	۹/۰۰	۳۰/۰۰	۱۳/۷۲	۳/۲۲
	پذیرش مشروط	۱۱/۰۰	۲۸/۰۰	۱۶/۴۹	۲/۹۶
تجربه مراقبت در کودکی	انزجار مادرانه	۲۵/۰۰	۴۰/۰۰	۳۲/۵۸	۳/۷۳
	انزجار پدرانه	۲۵/۰۰	۳۹/۰۰	۳۲/۶۵	۳/۷۳
	غفلت مادرانه	۲۶/۰۰	۴۰/۰۰	۳۳/۱۰۰	۳/۷۶
	غفلت پدرانه	۲۷/۰۰	۴۰/۰۰	۳۳/۲۴	۳/۴۳
حساسیت به طرد	اضطراب	۴۴/۰۰	۷۵/۰۰	۶۱/۸۸	۵/۳۱
	انتظار پذیرش	۵۲/۰۰	۷۴/۰۰	۶۲/۰۵	۵/۱۰
تصور از آینده	کار و تحصیل	۱۰/۰۰	۲۵/۰۰	۱۵/۰۶	۳/۲۰
	ازدواج و خانواده	۴/۰۰	۱۱/۰۰	۶/۴۶	۱/۷۸
	مذهب و جامعه	۳/۰۰	۹/۰۰	۴/۳۶	۱/۳۳
	سلامت	۴/۰۰	۱۲/۰۰	۶/۰۹	۱/۹۸
	آینده فرزندان	۴/۰۰	۱۲/۰۰	۶/۱۸	۱/۷۵



شکل ۲. مدل ضرایب مسیر

جدول ۳. نتایج بررسی رابطه بین پذیرش بی‌قید و شرط با تصور از آینده

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه‌آزمون
پذیرش بی‌قید و شرط	تصور از آینده	۰/۲۰	۱/۷۶	رد فرضیه
تجربه مراقبت در کودکی	تصور از آینده	-۰/۲۸	۳/۱۶	تایید فرضیه
پذیرش بی‌قید و شرط	حساسیت به طرد	-۰/۲۵	۸/۶۶	تایید فرضیه
تجربه مراقبت در کودکی	حساسیت به طرد	۰/۴۰	۵/۴۶	تایید فرضیه
حساسیت به طرد	تصور از آینده	-۰/۲۶	۳/۲۲	تایید فرضیه

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که پذیرش بی‌قید و شرط نمی‌تواند بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر مثبت و معنادار اعمال کند و ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۲۰ و مثبت بود. همچنین نتایج جدول ۳ نشان داد که تجربه مراقبت در کودکی بر تصور از آینده کودکان کار، تاثیر معناداری دارد و ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۲۸ و منفی بود. پذیرش بی‌قید و شرط نیز بر حساسیت به طرد کودکان کار، تاثیر معناداری دارد و ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۲۵ و منفی بود. در ادامه نتایج نشان جدول ۳ نشان داد که تجربه مراقبت در کودکی بر حساسیت به طرد کودکان کار، تاثیر معناداری دارد و ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۴۰ و مثبت بود. در نهایت نتایج نشان داد که حساسیت به طرد بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر منفی و معناداری دارد و ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۲۶ و منفی بود.

#### جدول ۴. نتایج بررسی رابطه بین پذیرش بی‌قید و شرط با تصور از آینده، با نقش میانجی حساسیت به طرد رابطه

نتیجه‌آزمون	آماره t	ضریب مسیر			نوع متغیر		
		کل	غیرمستقیم	مستقیم	متغیر وابسته	میانجی	مستقل
تایید فرضیه	۲/۸۰	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۲۰	تصور از آینده	حساسیت به طرد	پذیرش بی‌قید و شرط
تایید فرضیه	۲/۷۳	-۰/۳۸	-۰/۱۰	-۰/۲۸	تصور از آینده	حساسیت به طرد	تجربه مراقبت در کودکی

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد پذیرش بی‌قید و شرط دارای دو تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تصور از آینده‌است. اثر غیرمستقیم پذیرش بی‌قید و شرط از طریق حساسیت به طرد بر روی تصور از آینده برابر با حاصل ضرب ضرایب مسیر است یعنی برابر است با  $(۰/۲۵ \times ۰/۲۶) = ۰/۰۷$  و ضریب کل که برابر با حاصل جمع ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم است برابر است با ۰/۲۷. حال به منظور بررسی معناداری متغیر میانجی و ضریب بدست آمده از آزمون معناداری سوبل ۶ استفاده شد که در ادامه ارائه شده است. مقدار خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی (پذیرش بی‌قید و شرط و حساسیت به طرد) یعنی sa برابر با ۰/۰۶ و خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته (حساسیت به طرد و تصور از آینده) یعنی sb برابر با ۰/۰۸ است. با جایگذاری مقادیر در فرمول آزمون سوبل خواهیم داشت:

$$Z - value = \frac{.25 \times .26}{\sqrt{(.26^2 \times .06^2) + (.25^2 \times .08^2) + (.06^2 \times .08^2)}} = \frac{.07}{.025} = 2.80$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود قدرمطلق مقدار عدد معناداری حاصل از آزمون سوبل برابر با ۲/۸۰ بوده که بیشتر از ۱/۹۶ است و می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تاثیر میانجی حساسیت به طرد بر رابطه بین پذیرش بی‌قید و شرط و تصور از آینده را معنادار دانست. در واقع می‌توان گفت که فرضیه فوق تایید گردیده و پذیرش بی‌قید و شرط از طریق حساسیت به طرد بر روی تصور از آینده، تاثیر غیرمستقیم و معناداری دارد.

همچنین نتایج حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد تجربه مراقبت در کودکی دارای دو تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تصور از آینده است. اثر غیر مستقیم تجربه مراقبت در کودکی از طریق حساسیت به طرد بر روی تصور از آینده برابر با حاصل ضرب ضرایب مسیر است یعنی برابر است با  $(۰/۲۶ \times -۰/۴۰) = -۰/۱۰$ . به منظور بررسی معناداری متغیر میانجی (آماره t) از طریق آزمون سوبل استفاده می‌گردد که در ادامه ارائه شده است. مقدار خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی (تجربه مراقبت در کودکی و حساسیت به طرد) یعنی sa برابر با ۰/۰۸ و خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته (تصور از آینده و حساسیت به طرد) یعنی sb برابر با ۰/۰۸ است. با جایگذاری مقادیر در فرمول آزمون سوبل خواهیم داشت:

$$Z - value = \frac{.40 \times (.26)}{\sqrt{(.26^2 \times .08^2) + (.40^2 \times .08^2) + (.08^2 \times .08^2)}} = \frac{.104}{.038} = 2.73$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود قدرمطلق مقدار عدد معناداری حاصل از آزمون سوبل برابر با ۲/۷۳ بوده که بیشتر از ۱/۹۶ است و می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تاثیر میانجی حساسیت به طرد در رابطه بین تجربه مراقبت در کودکی و تصور از آینده را معنادار

دانست. در واقع می‌توان گفت که فرضیه فوق تایید گردیده و تجربه مراقبت در کودکی از طریق حساسیت به طرد بر تصور از آینده، تاثیر غیرمستقیم و معناداری دارد.

## ● بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تجربه مراقبت در کودکی می‌تواند بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر منفی و معنادار اعمال کند. از سوی دیگر ضریب استاندارد شده مسیر میان تجربه مراقبت در کودکی و تصور از آینده بیانگر این مطلب است که ۲۸ درصد از تغییرات تصور از آینده تحت تاثیر تجربه مراقبت در کودکی است. نتیجه این یافته هم‌راستا با پژوهش‌های کاراکوس و گوندوز (۲۰۱۲)، افشانی و همکاران (۱۳۹۱) و وامقی و همکاران (۱۳۹۰) است. در بسیاری از کودکان کار، عدم ثبات اقتصادی از سوی خانواده و تجارب نامطلوب دوره کودکی، منجر به از بین رفتن تصور مثبت از آینده این افراد می‌شود (آرنت، ۲۰۰۴). یافته‌های این بخش از پژوهش نیز هم‌راستا با پژوهش نورمی (۱۹۹۱) است. این محقق عنوان می‌کند که مراقبت و توجه والدین منجر به احساس خوشایند و خوش بینی کودکان می‌شود و تصور از آینده مثبتی را موجب می‌شود.

یافته‌ها نشان داد پذیرش بی‌قید و شرط می‌تواند بر حساسیت به طرد کودکان کار تاثیر منفی و معنادار داشته‌باشد. افرادی که نگرش مثبت نسبت به خود دارند، دارای شخصیتی سالم و مستقل هستند. این افراد نگران توجه و احترام سایر افراد نمی‌باشند، زیرا به جای آن‌که او توجه مثبت و احترام را از دیگران بگیرد، از خودش می‌گیرد. اما این مهم محقق نمی‌شود زیرا با توجه به این موضوع که افراد در خود نوعی ضعف می‌بینند، در ارتباط با دیگران دچار مشکل می‌شوند. کودکان کار که نسبت به توانایی‌های خود ایمان ندارند، در نتیجه دارای انتظار طرد از جانب دیگران نیز می‌باشند. کودکان کار زمانی که وارد رابطه جدید می‌شوند، به دلیل ضعف در خودباوری، انتظار طرد از سمت دیگران را دارند. این افراد احساس ناامنی و نارضایتی دائمی دارند که این نیز منجر به احساسات ناخوشایندی مانند اضطراب، خشونت و بی‌اعتمادی در آن‌ها می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش هم‌راستا با پژوهش کرینس و همکاران (۲۰۱۸) است. این محققان عنوان می‌کنند عدم پذیرش فرد توسط خود، بر ارتباط بین فردی تاثیر مستقیم گذاشته و منجر به آسیب‌پذیری و افسردگی می‌شود.

همان‌گونه که نتایج و یافته‌ها نشان دادند می‌توان گفت تجربه مراقبت در کودکی می‌تواند بر حساسیت به طرد کودکان کار تاثیر مثبت و معنادار داشته‌باشد. در این راستا روهنر و همکاران (۲۰۰۸) عنوان کردند که پذیرش و مراقبت درست والدین در دوران کودکی فرزندان، منجر به ایجاد دیدگاه مثبت در فرزندان و در نتیجه ارتباط موفق‌تر و صمیمی‌تر می‌گردد. در پژوهشی دیگر عبدالخالق و همکاران (۲۰۱۹) به این مهم دست یافتند که، والدین زمانی که کودکان خود را طرد می‌کنند، حساسیت به طرد آن‌ها در بزرگسالی بیشتر می‌شود. همچنین عنوان نمودند، بین پذیرش و عدم پذیرش والدین در دوران کودکی و سازگاری روان‌شناختی فعلی و حساسیت به طرد دختران و پسران جوان بالغ هم‌بستگی معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به اینکه کودکان کار تحت فشار و سختی‌های زندگی، به کار در خیابان‌ها رو آورده‌اند، فرآیند طبیعی رشد جسمی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین، تکامل شخصیت و جریان اجتماعی شدن آنان به خطر افتاده است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از مشکلات که در این زمینه اجتماعی شدن به وجود می‌آید، حساسیت به طرد در این کودکان است. زمانی که والدین از کودکان خود غفلت می‌ورزند، کودکان به منظور جبران این مهم، به دنبال عوامل جایگزین مانند ارتباط با دوستان جدید می‌باشند (تونی و ویلدمن، ۲۰۱۷). این کودکان به دلیل طرد والدین دارای عزت نفس پایینی می‌باشند و همواره انتظار طرد از سوی دوستان و گروه‌ها را دارند. گاهی به منظور جلب توجه دوستان و یا کاهش اضطراب ناشی از طرد، به عوامل خطرناکی روی می‌آورند که ممکن است منجر به رفتارهای خصمانه و پرخاشگری در این افراد شود (مریک و همکاران، ۲۰۱۷).

طبق نتایج پژوهش می‌توان گفت حساسیت به طرد می‌تواند بر تصور از آینده تاثیر منفی و معنادار داشته‌باشد. مطالعات مختلفی به پیامدهای ناگوار حساسیت به طرد مانند محرومیت اجتماعی و پایین آمدن بهزیستی روان‌شناختی و مختل کردن عملکرد بین‌فردی پرداختند (پدرسون و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین در رابطه با این فرضیه می‌توان عنوان کرد که حساسیت و انتظار طرد در کودکان تاثیر منفی بر شخصیت، رفتار و بهزیستی روان‌شناختی دارد (خالق، ۲۰۱۷). این کودکان، علائم نامشخص و بی‌توجهی از جانب دیگران را نشانه طرد می‌دانند و ممکن است به این نتیجه برسند که طرد شدن، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر غیر قابل کنترل در زندگی و از سوی دیگران

است (ویلیامز، ۲۰۰۱). بنابراین واکنش دفاعی زیادی در مواجهه با طرد از خود نشان می‌دهند (کاواموتو و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج این فرضیه با نتایج مطالعه کروس و بردشاو (۲۰۱۷) هم‌راستا است. این محققان نشان دادند که تجارب طرد اجتماعی در دوران کودکی منجر به محدودیت‌ها و سوءاستفاده اجتماعی در بزرگسالی افراد می‌شود. با توجه به این مهم که برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و انگیزه در دوران کودکی و نوجوانی، آینده بهتری را رقم می‌زند، کودکان طرد شده در این زمینه ضعیف‌تر عمل می‌کنند. این کودکان با ترس از دست دادن اطرافیان و تجربه‌های ناگوار در این زمینه، روابط را غیر قابل اعتماد تفسیر می‌کنند (لانسفورد و همکاران، ۲۰۱۰) و عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دچار تنزل تحصیلی، افزایش خطرات جسمی، اجتماعی و اقتصادی و در نهایت بدبینی نسبت به آینده می‌شوند (دی بیلد و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین کودکان کار به دلیل طرد از سوی خانواده و جامعه، با محدودیت تحصیلی و عدم آموزش رسمی رو به رو شده از این رو، ممکن است فرصت‌های محدودی برای کشف مشاغل احتمالی در آینده تجربه کنند.

یافته‌ها همچنین نشان داد پذیرش بی‌قید و شرط نمی‌تواند بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر مثبت و معنادار اعمال کند. بنابراین طبق نتایج تحقیق، پذیرش بی‌قید و شرط موجب افزایش تصور از آینده کودکان کار نمی‌شود. این یافته مخالف با پژوهش‌های ریسنر (۱۹۸۳) بود. این پژوهشگر عنوان می‌کند که نوجوانان با پذیرش خود، احساس موفقیت را در خود پرورش می‌دهند و آینده بهتری برای خود متصور می‌شوند. با این وجود از عوامل مؤثر بر آمادگی برای نقش بزرگسالی و آینده حمایت و مراقبت مناسب والدین، ثبات اقتصادی و تحصیلات است (آرنت، ۲۰۰۴). جهت تبیین این ناهمخوانی می‌توان گفت برای تصور مطلوب از آینده احتمالاً باید عوامل گفته شده مهیا باشد در غیر این صورت پذیرش خود نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده تصور از آینده مطلوب باشد. احتمال می‌رود در این پژوهش کودکان و نوجوانان کار به دلیل شرایط نامناسب اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نامناسب و همچنین سن پایین درکی از پذیرش خود نداشتند و چون سایر متغیرهای محیطی بر تصور از آینده تأثیر زیادی داشتند نقش پذیرش خود در این میان خیلی قابل توجه نبود.

همان‌طور که نتایج و یافته‌ها نشان دادند می‌توان گفت پذیرش بی‌قید و شرط می‌تواند از طریق حساسیت به طرد بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر غیرمستقیم و معنادار داشته باشد. از سوی دیگر پذیرش بی‌قید و شرط دارای دو تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تصور از آینده است. نتایج این بخش هم‌رستا با نتایج مطالعات جابین (۲۰۱۷) است. این محقق عنوان می‌کند کودکان خیابانی خودپذیری پایینی برخوردار هستند که منجر به کاهش عزت نفس آن‌ها و عدم موفقیت در ارتباطات و در نتیجه ناامیدی، عدم تحمل عاطفی، عدم تحمل ناراحتی و پریشانی روانی می‌شود. این پژوهش اهمیت پذیرش بی‌قید و شرط را برجسته کرد و نشان داد که عدم باور به خود کودکان، مشکلات عاطفی را شکل می‌دهد که مانع رشد تحصیلی و شخصی آن می‌شود و آینده آن‌ها را با موانعی روبه‌رو می‌سازد. کودکان کار به دلیل مواجهه با موانع مختلف و عدم موفقیت، از اعتماد به نفس پایینی برخوردار می‌باشند و از پیوستن به اجتماع‌های مختلف از قبیل گروه دوستان در مدرسه و یا خارج از آن واهمه دارند. عزت نفس پایین این کودکان مانع از این برقراری ارتباطات صحیح می‌شود و ممکن است برای جلب توجه دیگران وارد گروه‌های ناپسامان شوند و درگیر فعالیت‌هایی مانند پخش مواد مخدر و در نهایت اعتیاد شوند. از این رو ممکن است نتوانند در رابطه با آینده خود درست تصمیم بگیرند و آینده آن‌ها را با مشکل روبه‌رو سازد. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد تجربه مراقبت در کودکی می‌تواند از طریق حساسیت به طرد بر تصور از آینده کودکان کار تاثیر غیرمستقیم و معنادار اعمال کند. محیطی که کودکان در آن زندگی می‌کنند و نحوه مراقبت و غفلت والدین بر تفکر و انتظارات آن‌ها تاثیر به‌سزایی دارد. والدین با تعیین معیارهایی مشخص، بر علایق، ارزش‌ها و اهداف آن‌ها تأثیر می‌گذارند. تحقیقات متعددی بیانگر این موضوع می‌باشند که مهارت‌های برنامه‌ریزی و راهبردهای مقابله‌ای که نوجوانان از آن استفاده می‌کنند، ممکن است در بستر خانواده فرا گرفته شود (نورمی، ۱۹۸۷). با توجه به این مهم که والدین نقش به‌سزایی بر توانایی کودکان در ایجاد رابطه با دیگران، حضور در جوامع، برنامه‌ریزی و انگیزه ایفا می‌کنند، طرد آن‌ها نیز منجر به خصومت و پرخاشگری آن‌ها می‌شود (روهنر، ۲۰۰۴). شواهد قابل توجهی نشان می‌دهد که تجربیات نامطلوب مراقبت و غفلت والدین با پیامدهایی مانند حضور کم‌رنگ در اجتماع، مشکلات ارتباطی با دیگران و اختلالات روانی همراه است (رومانو و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر کودکانی که در معرض عدم حمایت خانواده، عدم ثبات اقتصادی و فقدان تحصیلات عالی قرار می‌گیرند، آمادگی آن‌ها برای نقش بزرگسالی دچار مختل می‌شود (آرنت، ۲۰۰۴). زمانی که آن‌ها با حمایت‌های کافی از سوی خانواده روبه‌رو نمی‌شوند، همراه ترس از دست دادن و نپذیرفتن از سوی دیگران را تجربه می‌کنند، با این وجود نمی‌توانند بصورت جدی در رابطه با آینده و مشاغل احتمالی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کنند. نتایج این یافته با تحقیقات روهنر



و همکاران (۲۰۰۸) و ایوو و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. ایوو و همکاران (۲۰۱۸) مطالعه نشان دادند نوجوانانی که محدودیت شدید مالی را تجربه نمی‌کنند و ارتباط آن‌ها با خانواده و هم‌سالان ایده آل است و دارای خودپنداره بالا هستند انتظارات مثبت بیشتری نسبت به آینده دارند. همچنین روهنر و همکاران (۲۰۰۸) عنوان کردند، کودکانی که تجربه پذیرش و مراقبت از سوی والدین را تجربه نموده‌اند، دارای دیدگاه مثبت و روابط صمیمی با دیگران در طول زندگی دارند. این افراد زندگی بهتر و ایده‌آل‌تری نسبت به سایر افراد دارند.

## • نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که اکثر کودکان کار مراقبت مطلوبی را از جانب والدین خود دریافت نمی‌کنند که این عامل باعث پایین بودن پذیرش بی‌قید و شرط خود و حساسیت به طرد این کودکان می‌شود که این عوامل تصور از آینده نامطلوبی را برای آنان به وجود می‌آورد. با توجه به این پژوهش می‌توان در موسسه‌های مربوط به کودکان کار برنامه‌هایی جهت افزایش پذیرش خود در این کودکان اتخاذ کرد و همین طور با کمک گرفتن از خیریه‌های مربوطه شرایط اقتصادی و زندگی آن‌ها را بهبود داد تا بتوان انتظار از آینده مثبتی را در آن‌ها به وجود آورد. همچنین آموزش‌های همگانی به صورت رایگان برای والدین کم درآمد این کودکان در نظر گرفته شود تا بتوانند نیازهای مراقبتی فرزندان خود را برطرف کنند و احساس حمایت را به فرزندان القا کنند. از سوی دیگر نهادهای حمایتی می‌توانند تدابیری جهت تقویت عزت نفس و پذیرش خود و از بین بردن حساسیت به طرد در این کودکان اتخاذ کنند.

اطلاعات بدست آمده از پژوهش حاضر به صورت مقطعی بوده و ممکن است متغیرهای دیگری با کودکان کار در ارتباط باشد که در این پژوهش نادیده گرفته شده؛ لذا پژوهش طولی برای درک ثبات یا فقدان ثبات این نوع رفتارها در دوران رشد، مفید است. همچنین این پژوهش در شهرهای اصفهان و یزد انجام شده است، پیشنهاد می‌شود تکرار پژوهش در شهرهای کوچکتر و مقایسه با شهرهای بزرگتر انجام گیرد. در این پژوهش تجربه مراقبت از دیدگاه کودکان کار بررسی شد، پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آتی نحوه مراقبت از دیدگاه والدین این کودکان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

## • منابع

- افشاری، محسن؛ حجازی، الهه؛ ازه‌ای، جواد؛ صادقی، ناهید. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس چشم‌انداز زمان آینده و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. *مجله روانشناسی*، ۲۲(۲)، ۱۳۸-۱۲۲.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد؛ نوریان نجف‌آبادی، محمد. (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۴)، ۸۵-۱۰۲.
- اکرمی، لیلا؛ ملک پور، مختار؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری والدین با مشکلات دوره‌ی بلوغ. *مجله روانشناسی*، ۴(۲۴)، ۴۱۶-۳۹۵.
- باقرزاد، ام البنین؛ حسن زاده، رمضان؛ عباسی، قدرت‌الله. (۱۳۹۸). مقایسه اثر بخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و روان درمانی کوتاه مدت راه حل محور بر اضطراب درد و پذیرش خود بیماران مبتلا به سرطان پستان. *مجله سلامت اجتماعی*، ۶(۳)، ۲۵۳-۲۶۳.
- خوشکام، سمیرا؛ بهرامی، فاطمه؛ رحمت‌اللهی، فرحناز؛ و نجارپوریان، سمانه. (۱۳۹۳). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه حساسیت به طرد در دانشجویان. *پژوهش روانشناختی*، ۱۷(۱)، ۲۴-۴۴.
- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ نیکنام، ماندانا. (۱۳۹۴). رابطه‌ی کمال‌گرایی با فرسودگی شغلی در پرستاران: نقش واسطه‌ای خویش‌نپذیری غیر مشروط. *فصلنامه مطالعات روانشناختی*، ۱۱(۱)، ۱۱۵-۱۳۹.
- شید عنبرانی، بهناز؛ گل، علیرضا؛ فرهادیان، فاطمه؛ طبیب، زهرا؛ نامور طباطبایی، سیدسجاد. (۱۳۹۹). نقش بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی پرخاشگری بزرگسالی. *مجله روانشناسی*، ۲۴(۱)، ۷۴-۵۷.
- وامقی، مروثه؛ رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا؛ رشیدیان، آرش. (۱۳۹۰). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در یک دهه اخیر در ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان. *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۱)، ۱۳۵-۱۶۵.
- یزد خواستی، فریبا؛ قاسمی، سحر. (۱۳۹۸). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آن‌ها. *نشریه مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۷(۱۲)، ۱۳۱-۱۴۴.

Aloia, L. S., & Warren, R. (2019). Quality Parent-Child Relationships: The Role of Parenting Style and Online Relational Maintenance Behaviors. *Communication Reports*, 32(2), 43-56.

Arnett, J. A. (2004). *Adolescence and emerging adulthood: A cultural approach (2nd ed.)*, Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ.

- Bifulco, A., Bernazzani, O., Moran, P. M., & Jacobs, C. (2005). The childhood experience of care and abuse questionnaire (CECA. Q): validation in a community series. *British Journal of Clinical Psychology, 44*(4), 563-581.
- Cigno, A., & Rosati, F. C. (2005). *The economics of child labour*. Oxford University Press on Demand.
- Crous, G., & Bradshaw, J. (2017). Child social exclusion. *Journal of Children and Youth Services Review, 80*, 129-139.
- D'Argembeau, A., & Mathy, A. (2011). Tracking the construction of episodic future thoughts. *Journal of Experimental Psychology, 140*, 258-271.
- Das, R. N. (2019). A study on the living conditions of child labor working in Tinsulia town of Assam. *Global Journal for Research Analysis, 8*(10).
- De Bilde, J., Vansteenkiste, M., & Lens, W. (2011). Understanding the association between future time perspective and self-regulated learning through the lens of self-determination theory. *Learning and Instruction, 21*, 332-344.
- Godin, J. (2010). *The effect of the Enneagram on psychological well-being and unconditional self-acceptance of young adults*. A dissertation submitted to the graduate faculty in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, Iowa State University Ames.
- Habib, R. R., Ziadee, M., Abi Younes, E., & Harastani, H. (2020). Syrian refugee child workers: Gender differences in ergonomic exposures and musculoskeletal health. *Applied ergonomics, 83*, 102983.
- Höltge, J., McGee, S. L., Maercker, A., & Thoma, M. V. (2018). Childhood Adversities and Thriving Skills: Sample Case of Older Swiss Former Indentured Child Laborers. *The American Journal of Geriatric Psychiatry, 26*(8), 886-895.
- Iovu, M. B., Hărăguș, P. T., & Roth, M. (2018). Constructing future expectations in adolescence: relation to individual characteristics and ecological assets in family and friends. *International Journal of Adolescence and youth, 23*(1), 1-10.
- Jibeen, T. (2017). Unconditional self-acceptance and self-esteem in relation to frustration intolerance beliefs and psychological distress. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy, 35*(2), 207-221.
- Karakuş, M., & Gündüz, S. (2012). Socio-cultural situation of street children and their expectations about future. *International Journal of Business and Social Science, 3*(16).
- Kawamoto, T., Nittono, H., & Ura, M. (2015). Trait rejection sensitivity is associated with vigilance and defensive response rather than detection of social rejection cues. *Frontiers in psychology, 6*, 1516.
- Khaleque, A. (2017). Perceived parental hostility and aggression, and children's psychological maladjustment, and negative personality dispositions: A meta-analysis. *Journal of Child and Family Studies, 26*(4), 977-988.
- Khaleque, A., Uddin, M. K., Hossain, K. N., Siddique, M. N. E. A., & Shirin, A. (2019). Perceived parental acceptance-rejection in childhood predict psychological adjustment and rejection sensitivity in adulthood. *Psychological Studies, 64*(4), 447-454.
- Kraines, M. A., Kelberer, J. A., & Wells, T. (2018). Rejection sensitivity, interpersonal rejection, and attention for emotional facial expressions. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 59*, 31-39.
- Lansford, J. E., Malone, P. S., Dodge, K. A., Pettit, G. S., & Bates, J. E. (2010). Developmental cascades of peer rejection, social information processing biases, and aggression during middle childhood. *Development and Psychopathology, 22*(3), 593-602.
- Levy, S., Ayduk, O., & Downey, G. (2002). *The role of rejection sensitivity in people's relationships with significant others and valued social groups*. In M. Leary (Ed.), *Interpersonal rejection*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- McWhirter, P. T. (2008). Enhancing adolescent substance abuse treatment engagement. *Journal of Psychoactive Drugs, 40*(2), 173-182.
- Merrick, M. T., Ports, K. A., Ford, D. C., Afifi, T. O., Gershoff, E. T., & Grogan-Kaylor, A. (2017). Unpacking the impact of adverse childhood experiences on adult mental health. *Child Abuse & Neglect, 69*, 10-19.
- Nurmi, J. (1991). How do adolescents see their future? A review of the development of future orientation and planning. *Developmental Review, 11*, 1-59.
- Nurmi, J.-E. (1987). Age, sex, social class, and quality of family interaction as determinants of adolescents' future orientation: A developmental task interpretation. *Adolescence, 22*, 977-991.
- Pedersen, S., Vitaro, F., Barker, E. D., & Borge, A. I. (2007). The timing of middle-childhood peer rejection and friendship: Linking early behavior to early-adolescent adjustment. *Child Development, 78*(4), 1037-1051.
- Reasoner, R.W. (1983). Enhancement of self-esteem in children and adolescents. *Fam Community Health, 6*, 51-64.
- Rohner, R. P. (2004). The parental acceptance rejection syndrome: Universal correlates of perceived rejection. *Journal of American Psychologist, 59*, 827-840.
- Rohner, R. P., Melendez, T., & Kraimer-Rickaby, L. (2008). Intimate partner acceptance, parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among American adults in ongoing attachment relationships. *Cross-Cultural Research, 42*(1), 13-22.
- Romano, E., Babchishin, L., Marquis, R., & Fréchette, S. (2015). Childhood Maltreatment and Educational Outcomes. *Trauma, Violence, & Abuse, 16*(4), 418-37.
- Romero, E., Downey, G., Berenson, K., Ayduk, O., & Kang, N. J. (2010). Rejection sensitivity and the rejection-hostility link in romantic relationships. *Journal of personality, 78*(1), 119-148.
- Smith, N., Lam, D., Bifulco, A., & Checkley, S. (2002). Childhood experience of care and abuse questionnaire (CECA. Q). *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology, 37*(12), 572-579.
- Turney, K., & Wildeman, C. (2017). Adverse childhood experiences among children placed in and adopted from foster care: Evidence from a nationally representative survey. *Child Abuse & Neglect, 64*, 117-129.
- Williams, K. D. (2001). *Ostracism*. New York: Guilford Press.